

آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه

در آئینه خاطرات

صحبت با جوان اهل مکه



در فرودگاه جده، با جمعی از اهالی سودان سر سخن را باز کرده بودند. در بین آنها جوانی صاحب مؤسسه در عربستان بود که از طرز صحبت‌هایش معلوم می‌شد که اهل فهم و اطلاع است.

با او گرم صحبت شدم و به پرسش‌های او پاسخ‌هایی دادم؛ از جمله پرسش‌های او علت تفاوت بین کسانی که عمامه سیاه دارند با عمامه سفید بوده که در پاسخ، شعر ابونواس خطاب به امام رضا علیه‌السلام را خواندم و عمامه سیاه را نشانه شرافت انتساب به حضرت رسول گرامی اسلام و اهل بیت طاهرین آن حضرت علیهم‌السلام عنوان کردم.

مُطَهَّرُونَ نَقِیَّاتٌ جُیُوبُهُمْ تُثَلِّی الصَّلَاةَ عَلَیْهِمْ اَیْمَا ذِکْرُوا مَنْ لَمْ یَكُنْ عَلَویَا جِیْنٌ تُثَبِّئُهُ فَمَا لَهُ فِی قَدِیمِ الذَّهْرِ مُفْتَحِرٌ وَالله لَمَّا بَرَأ خَلْقًا فَأَتَقَنَّهُ ضَعَاكُمُ وَاضْطَفَاكُمُ اَیْهَا النَّبَشَرُ فَأَنْتُمْ الْمَلَا الْأَعْلَى وَعِنْدَكُمْ عِلْمُ الْكِتَابِ وَمَا جَاءَتْ بِهِ السُّورُ

وقتی این اشعار را خواندم، آن جوان بلند می‌گفت: (صحیح)

همچنین وقتی آن جوان دو سه رساله از ابن‌تیمیه و محمدبن عبدالوهاب را در دست آقا دیده بود، از شیخ الفقه‌ا پرسیده بود که نظر شما در مورد فرقه وهابی چیست؟ ایشان هم پاسخ داده بودند که اینها برخی اعمال را که شائبه شرک در آنها نیست، شرک می‌دانند؛ مثل بوسیدن ضریح پیغمبر و ائمه علیهم‌السلام را و اگر بنا باشد، بوسیدن ضریح شرک باشد، پس بوسیدن حجرالأسود و.... هم به‌زعم شما شرک است. این را که فرموده بودند، آن جوان صحبت‌های ایشان را تصدیق کرده و گفته بود که معلوم است، این احترامات به‌خاطر انتساب به خدا و پیغمبر است.

کتاب منتخب‌الاثـر از نگاه آیت‌الله رضا استادی

برخی از عنوان‌ها، ۱۴۰ تا ۱۵۰ روایت دارد. آنانی که در پی یقین هستند و درصدد هستند، اعتقادات‌شان محکم و شبهات‌شان برطرف شود، این کتاب را با آماری که در آن است، ملاحظه کنند؛ حتماً یقین پیدا می‌کنند. کتاب ایشان در مراحل مختلف و در سال‌های فراوان با تلاش، کوشش دقت و فصل‌بندی منظم سامان داده شده است. امتیازی که ایشان دارند و همه باید داشته باشند، علاقه مفراط به امام زمان علیه‌السلام سال است که شاید همین علاقه باعث شده، ایشان این مقدار برای این کتاب وقت بگذارند و تلاش و کوشش کنند.

کاری که خالص باشد و برای امام زمان علیه‌السلام راه باشد و یک عالم مخلص با دقت کامل تهیه کرده باشد، قاعدتاً باید در مراکز علمی مورد قبول قرارگیرد. برخی ازعلمای بزرگ گفته‌اند: خوب است که این کتاب در خانه هر شیعه‌ای باشد.

امیدوارم که بتوانیم از این کتاب استفاده کامل ببریم؛ بسیاری ازشبهاتی را که در زمان ما مطرح می‌شود، می‌توان با مراجعه به این کتاب و روایات آن برطرف کرد؛ چون هرچه روایات بیشتر باشد، بیشتر مورد یقین قرار می‌گیرد. بحث یک یا دو روایت نیست. هزار و ۳۰۰ روایت است و در برخی از موضوعات، بیش از ۱۰۰ روایت نقل شده و هرکسی ببیند و مطالعه کند؛ بیشتر یقین می‌کند.

کار مهم عالم شیعی و عالمی که خداوند متعال می‌پسندد، تحکیم اعتقادات مردم است که به ما دستور داده‌اند، به عالمی نزدیک شوید که اگر در اعتقادات‌تان احیاناً شکی پیدا شده است، شک شما را مبدل به یقین و اعتقاد کند تا اعتقادات‌تان محکم شود.

شیخ الفقه‌ا، ص۴۳۷

می‌شود. تألیف این اثر کار بسیار سنگینی است آن هم با دقتی که آیت‌الله‌العظمی صافی رحمۃ‌الله‌علیه داشت. ما شنیده بودیم که چنین کتابی وجود دارد و از آن استفاده کرده بودیم و بعد شنیدیم که ایشان اثر خود را تکمیل کرده است. به ایشان پیشنهاد می‌شد که کتاب دوم چاپ شود؛ اما به هر جهت امروز و فردا می‌شد. یک‌بار من خدمت ایشان رسیدم که از ایشان برای چاپ کتاب تقاضا کنیم که راضی شدند؛ منظور من از این مطلب، اشاره به دقت ایشان است.



این کتاب در چاپخانه سلمان فارسی که مربوط به مؤسسه در راه حق است، چاپ شد و من نیز تقریباً نظارتی بر آن داشتم و برای اینکه کار سریعاً به انجام برسد، فهرست مختصری بر آن نوشتم. وقتی این فهرست به ایشان ارائه شد، نپذیرفتند و گفتند: من فهرست کاملی می‌نویسم و حاضر نشدند، در معرفی فهرست کتاب‌هایی که مدرک این اثر است، عجله‌شود.

در این کتاب مسائل مهم مهدویت مانند طولانی‌بودن غیبت، مستند به یک، دو یا پنج روایت نیست و آن‌طور که من مطالعه و یادداشت کرده‌ام،

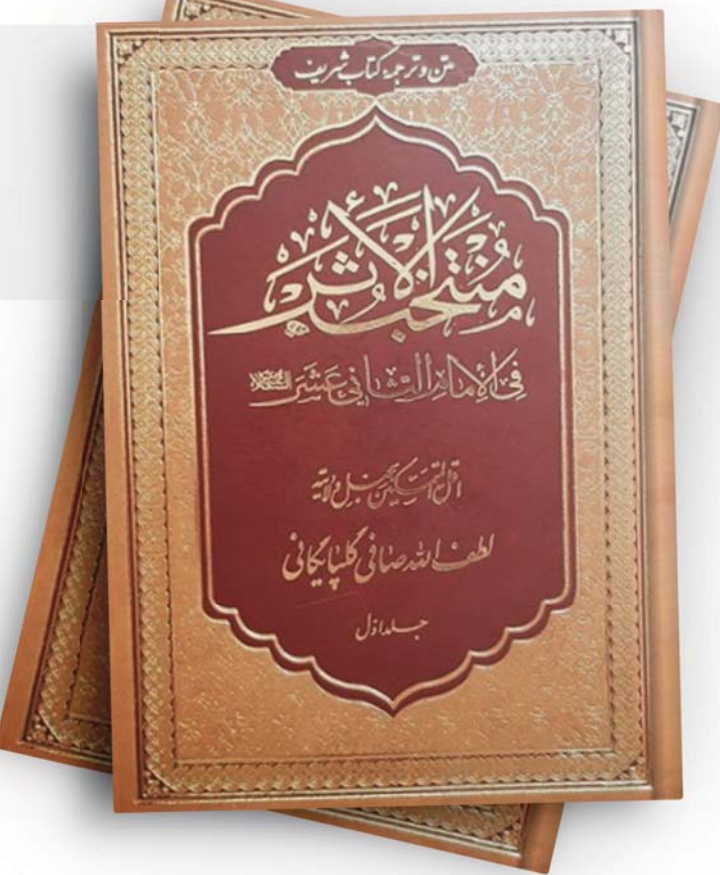
باید می‌نگریست، کدام روایت چه مطلبی دارد و آنها را جمع‌آوری و هرکدام را در یک فصل گرد آورد که کار سنگین و مشکلی بوده است.

علاوه براین ایشان به این فکر افتاده‌اند که برخی از روایات یک مطلب ندارد؛ بلکه دو، سه، چهار و یا پنج مطلب دارد؛ پس مشخص کرده‌اند که هرکدام از این روایات، چند مطلب دارد. یک مطلب تحت همین فصل قرار گرفته است و مطالب دیگر آن، در فصول دیگر اشاره شده یا عین آن آمده است. اینکه برخی‌ها گفته‌اند که کتاب منتخب‌الاثـر شامل شش هزار و ۵۰۰ روایات است، (۲۳۸، شیخ الفقه‌ا)

این‌طور نیست؛ بلکه شامل ۱۳۰۰ روایت است؛ چراکه برخی از روایت‌ها مطالب متعددی داشته و در چند فصل تکرار شده است.

اقدام دیگری که ایشان در تألیف این اثر انجام داده، این است که مشخص کرد، این هزار و ۳۰۰ روایت از چه کسانی است. ایشان مشخص کرده است که ۴۵۰ روایت از رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ۱۲۰ روایت از امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ۲۵۰۰ روایت از امام صادق علیه‌السلام و ۱۵۰ روایت از امام باقر علیه‌السلام است. این مطالب برای افرادی که اهل تحقیق هستند، می‌تواند مفید و سودمند باشد.

کتاب آیت‌الله‌العظمی صافی، ۷۰ سال پیش تکمیل و به چاپ می‌رسد؛ اما ۴۰ سال بعد از نشر، ایشان باز عنایتی به این کتاب کرده و مطالبی را تکمیل می‌کنند و ۳۰ سال قبل این اثر برای چاپ دوم و چاپی که ملحقات و مزیای فراوانی دارد، آماده می‌شود؛ اما با تأخیری ۱۰ ساله، ۲۰ سال پیش در سه جلد و تقریباً دو برابر حجم کتاب قبلی منتشر می‌شود. کتاب اول یک جلد، در ۶۰۰ تا ۷۰۰ صفحه بود؛ اما کتاب بعدی در سه جلد و هزار و ۱۵۰ صفحه منتشر



کتاب «منتخب‌الاثـر» اثر آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه، دایرةالمعارفی جامع از احادیث معتبر شیعه به‌شمار می‌آید. این اثر گران‌سنگ، با دقتی کم‌نظیر در اعتبار و سند روایات، مجموعه‌ای اصیل از احادیث مربوط به امامت، غیبت، مهدویت و فضائل اهل‌بیت علیهم‌السلام را در خود جای داده است.

نثر روان، نظم علمی و استدلال‌های متقن در این کتاب، آن را به یکی از منابع برجسته حدیثی برای علما و پژوهشگران تبدیل کرده است؛ اثری که حقیقت ولایت و امامت را به‌گونه‌ای مستند و استوار تبیین می‌کند و به‌عنوان سندی ماندگار در دفاع از مکتب تشیع شناخته می‌شود.

بزرگان و اندیشمندان بسیاری به اهمیت و جایگاه این اثر پرداخته‌اند. متن‌حاضر باعنوان «کتاب‌منتخب‌الاثـر از نگاه آیت‌الله رضا استادی»، به بررسی این جایگاه می‌پردازد که تقدیم حضور خوانندگان فرهیخته می‌گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم

تألیفات آیت‌الله‌العظمی صافی رحمۃ‌الله‌علیه

آیت‌الله مرتضی مقتدایی

آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه، الگوی جامع یک عالم دینی بودند

با رحلت مرجع عالی‌قدر، آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه، جهان اسلام و حوزه علمیه قم، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های علمی و تقوایی خود را از دست داد. ایشان از منظر شاگردان و نزدیکان، تجسم عینی آموزه‌های دینی بودند؛ چنانکه آیت‌الله مقتدایی در این مصاحبه، ایشان را عصاره «علم، تقوا و زهد» و مصداق «عبد صالح خداوند» توصیف می‌کنند.

این مصاحبه با هدف واکاوی شخصیت علمی و ابعاد اجتماعی این عالم ربانی انجام شده است. از سوابق ممتاز ایشان، می‌توان به تدریس مستمر بیش از شش دهه به‌عنوان پرچمدار روش علمای سلف اشاره کرد. علاوه بر مقام مرجعیت، سیره عملی ایشان در زهد و ساده‌زیستی، در کنار نقش محوری در تأسیس و تثبیت ارکان نظام جمهوری اسلامی، الگویی کم‌نظیر از عالم مدافع دین در دوره غیبت را برای نسل‌های کنونی ترسیم می‌نماید.

• **اولین زمان آشنایی شما با آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه کی و چگونه اتفاق افتاد؟ و آن برخورد اولیه چه ویژگی خاصی داشت که مسیر ارادت شما را رقم زد؟**

• نخستین آشنایی من با آیت‌الله‌العظمی صافی رحمۃ‌الله‌علیه در صف اول نماز جماعت مسجد اعظم، پشت سر آیت‌الله‌العظمی بروجردی رحمۃ‌الله‌علیه رخ داد. من که طلبه جوانی بودم، تحت تأثیر محبت پدری آیت‌الله صافی قرار گرفتم. ایشان با پرسش‌های محبت‌آمیز درباره محل تحصیل و آمدن من، بسیار با محبت برخورد کردند و از استادم، آیت‌الله خادمی اصفهانی رحمۃ‌الله‌علیه، تمجید و اشاره کردند که اگر ایشان در قم بود، از مراجع تقلید می‌شد.

نقطه عطف دوم زمانی بود که من برای امتحان درس خارج آیت‌الله‌العظمی بروجردی رحمۃ‌الله‌علیه نزد ایشان رفتم، آیت‌الله صافی جزوه پنجاه، شصت صفحه‌ای که از درس آیت‌الله بروجردی نوشته بودم، از من درخواست کردند. ایشان با مطالعه همان نوشته‌ها، به من نمره قبولی دادند. ارادتم به ایشان از همان جلسه اول شکل گرفت و با گذشت زمان، به‌دلیل مشاهده روش زاهدانه، عالمانه و متعبدانه ایشان که کاملاً در جهت رضای خدا بود و عاری از هوای نفس به نظر می‌رسید، این علاقه و ارادت دوچندان شد.

* با توجه به روایتی که علمای دین را در غیبت، «حافظان دین» معرفی می‌کند، سیره آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه به‌عنوان یک عالم ربانی، چه الگویی را برای نسل کنونی ترسیم می‌کند؟

• امام حسن عسکری علیه‌السلام در روایتی از کتاب احتجاج طبرسی، نقش حیاتی علمای دین را در دوره غیبت امام زمان علیه‌السلام بیان می‌کنند: «لَوْ لَا مِنْ یَبْقَی بَعْدَ غَیْبَةِ قَائِمِکُمْ الدَّاعِیْنَ اِلَیْهِ وَالذَّالِّیْنَ عَلَیْهِ وَالذَّالِّیْنَ عَنْ دِیْنِهِ یُخَبِّجُ اللهُ وَالْمُنْقِذِیْنَ لِضِعْفَاءِ عِبَادِاللهِ مِنْ شَبَاکِ اِیْلِیسَ وَفَرَزْدَةِ زَمنِ فَنُخَاحِ الثَّوَالِصِ». ایشان می‌فرمایند: اگر این علما نبودند که مردم را به امام فرا بخوانند، از دین دفاع کنند و



مؤمنان را از دام‌های شیطان و دشمنان نجات دهند، «لَمَّا یَبْقَی أَحَدٌ إِلَّا اِرْتَدَّ عَنْ دِیْنِ الله»؛ هیچ مؤمنی بر دین خدا باقی نمی‌ماند. علما در این دوران، راهنمایان، حافظان ایمان، و نجات‌دهندگان بندگان ضعیف خدا هستند. در پایان روایت آمده است که این عالمان، برترین بندگان در نزد خداوند و دارای عالی‌ترین مقام معنوی محسوب می‌شوند.

آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه نیز نمونه روشن عالمی است که امامان توصیف کرده‌اند. زندگی ایشان بر سبک سلف صالح و علمای بزرگ اسلام استوار بود؛ در علم، تقوا و زهد در مرتبه‌ای والا قرار داشتند و مانند علمای گذشته، ساده و مردمی می‌زیستند. در منزل‌شان همیشه به روی مردم، شاگردان و مقلدان باز بود و بی‌واسطه با آنان ارتباط داشتند. ایشان عابدی زاهد و سالک حقیقی بودند که در مسیر بندگی و سلوک دینی گام برمی‌داشتند.

• **تدریس مستمر بیش از شش دهه، پس از شاگردی نزد آیت‌الله بروجردی رحمۃ‌الله‌علیه، چه تأثیری بر شیوه مواجهه آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه با مسائل نوظهور فقهی گذاشت؟**

• آیت‌الله صافی گلپایگانی از شاگردان برجسته و ویژه آیت‌الله‌العظمی بروجردی بودند و بیش از پانزده سال در درس ایشان شرکت کردند. ایشان و برادرشان، آیت‌الله‌العظمی حاج علی صافی رحمۃ‌الله‌علیه، از چهره‌های ممتاز و اصحاب خاص جلسات استفتاء آیت‌الله بروجردی محسوب می‌شدند. استفتاءات مهم از سراسر جهان اسلام به دفتر آقای بروجردی واصل می‌شد و این دو بزرگوار، در طرح و پاسخگویی

به آن‌ها نقش محوری داشتند. همچنین، مسائل مهمی که پیش می‌آمد، توسط آیت‌الله بروجردی رحمۃ‌الله‌علیه مستقیماً جهت حل و فصل یا پاسخگویی به ایشان ارجاع می‌گردید.

آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی، پس از رحلت آیت‌الله‌العظمی بروجردی در سال ۱۳۴۰، خود در قم به تدریس درس خارج فقه و اصول پرداختند. ایشان از آن زمان تاکنون، به‌طور مستمر به تربیت شاگردان بسیار عالم و مجتهد مشغول بودند. این سابقه تدریس طولانی و تربیت فضل‌ا، موقعیت علمی ممتاز ایشان را نسبت به بسیاری از دیگر علما متمایز می‌سازد؛ ایشان تنها تنها شاگردی مبرز بودند، بلکه خود نیز استاد پرورشی برجسته محسوب می‌شدند.

• **با توجه به سوابق آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه در مجلس خبرگان و شورای نگهبان در دوران تأسیس نظام، مهم‌ترین سدی که ایشان برای حفظ اصول اساسی انقلاب، به‌ویژه اصل ولایت فقیه، در برابر چالش‌های آن مقطع ایجاد کردند، چه بود؟**

• آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه از حامیان قاطع نهضت امام خمینی رحمۃ‌الله‌علیه و جمهوری اسلامی از آغاز آن بودند. ایشان در اولین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری که وظیفه تدوین قانون اساسی را بر عهده داشت، به‌عنوان عضو حضور داشتند. نقش ایشان در تصویب مواد اساسی قانون اساسی، به‌ویژه اصل ولایت فقیه و لزوم انطباق قوانین کشور با احکام مسلم اسلامی، بسیار چشم‌گیر بود و به ممتازشدن این سند بنیادی کمک شایانی کرد.

اعتماد امام خمینی رحمۃ‌الله‌علیه به ایشان به‌حدی بود که ایشان را به‌مدت هشت سال به‌عنوان یکی از اعضای شورای نگهبان منصوب کردند و در دوره‌ای نیز به‌عنوان دبیر این شورا فعالیت نمودند. در آن مقطع حساس پس از انقلاب که تطبیق تمام قوانین کشور با موازین اسلامی یک ضرورت حیاتی بود، دبیر شورای نگهبان بودن ایشان، اهمیتی مضاعف داشت.

آیت‌الله صافی همواره و به‌طور مستمر و روشن از نظام و مسئولین حمایت می‌کردند. توصیه‌ها و تذکرات دلسوزانه ایشان که خطاب به مقامات ارشد از جمله رئیس‌جمهور و حتی مقام معظم رهبری ارائه می‌شد، مورد عنایت ویژه قرار می‌گرفت.

ایشان در کنار جایگاه علمی و مرجعیت تقلید که جمع کثیری از مؤمنین مقلد ایشان بودند، زندگی‌شان را بر مبنای سنت علمای سلف صالح ادامه می‌دادند. فتاوای ایشان نیز به‌گونه‌ای بود که با رعایت احتیاطات لازم، دست‌وپاگیر مقلدین نبود. ایشان که از ارکان حوزه علمیه قم محسوب می‌شدند، بر نقش جهانی این حوزه تأکید داشته و معتقد بودند که حوزه باید وظیفه ارشاد و هدایت مسلمانان جهان را نیز ایفا کند.

• **با توجه به شناخت عمیقی که از سیره و منش آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه داشتید، اگر قرار باشد ایشان را در یک جمله خلاصه کنید، چه واژه‌ای یا عبارتی در ذهن شما متبادر می‌شود؟**

• اگر بخواهم ایشان را در یک جمله کوتاه بیان کنم، خواهم گفت: «عبد صالح خداوند». این عنوان، چکیده‌ای از سه ستون اصلی حیات ایشان است. اولاً، ایشان دارای علم فراوان بودند؛ یعنی در مراتب بالای دانش دینی قرار داشتند. ثانیاً، این علم با تقوا همراه بود؛ یعنی ایشان عمیقاً از آنچه می‌دانستند، در زندگی عملی خود مراقبت می‌کردند و رکن سوم، زهد بود؛ عدم تعلق به مظاهر دنیوی و زندگی ساده و بی‌تکلف ایشان.

منش، رفتار، تصمیم‌گیری‌ها و خلوص ایشان در هر کاری، به‌گونه‌ای بود که گویی نمود عینی و عملی سیره عملی معصومین علیهم‌السلام را به نمایش می‌گذاشت. ایشان به‌معنای واقعی کلمه، زندگی الهی و خالصانه داشتند.